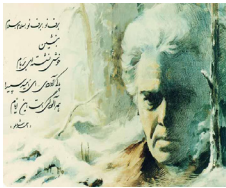




ظهور حمورابی در بابل

صفحه ۳

فقط
اشک
آیدا



صفحه ۲

سرخط‌خبرها:

زنبورهای هوشمند

صفحه ۲

ناپدید شدن مایاها

صفحه ۲

... خبر اول ...

سرزمین آشوریان

بی تردید لوح های حماسه گیلگمش بابل کهن تفاوت بسیاری با اشعار سومری برنامه درسی کاتبان دارند و اگر چه که این دو روایت چندین قسمت و مضامین مشترک دارند.

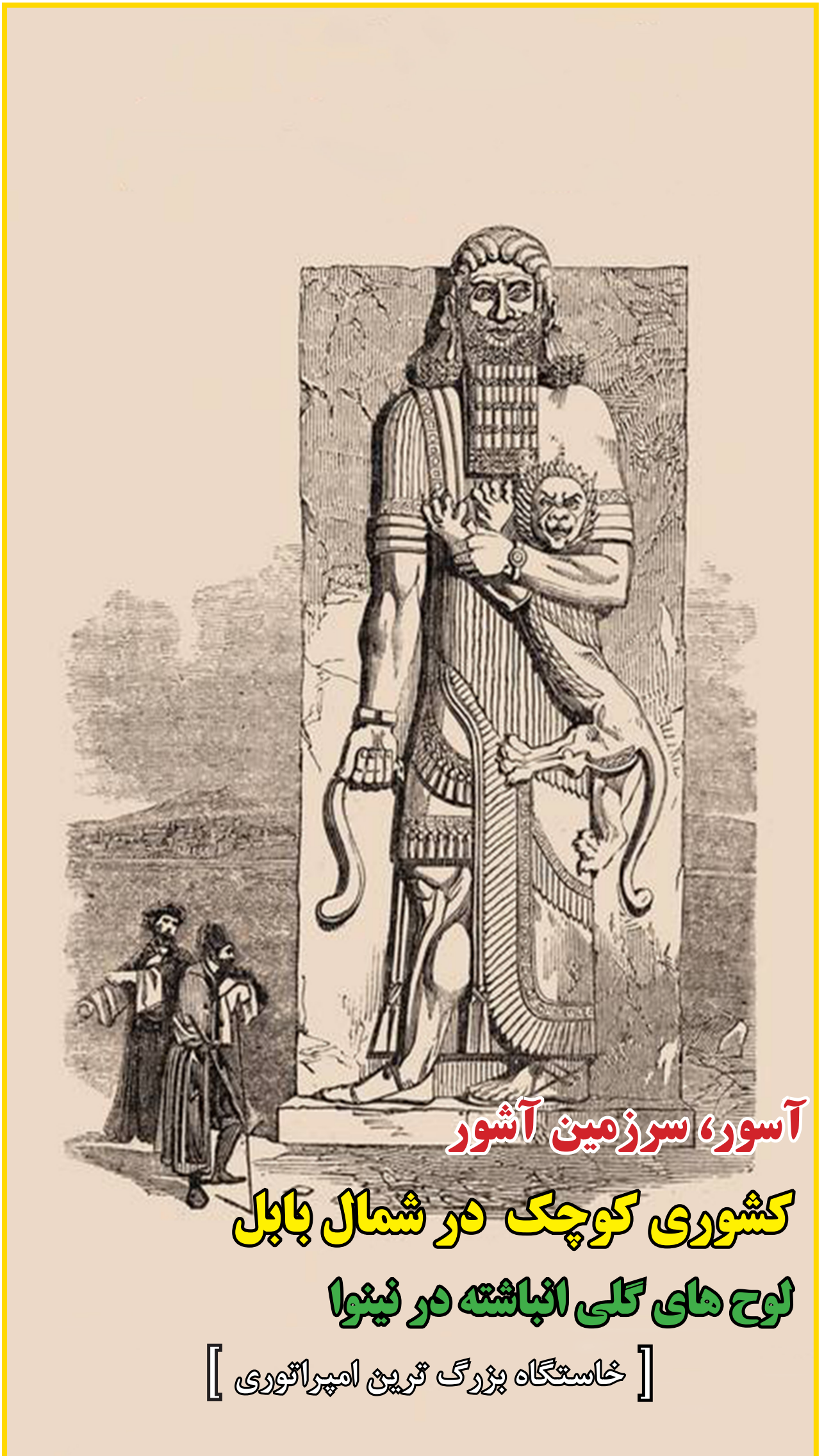
متون بابلی کهن نمایانگر بازنگری کلی هستند که مطالب گیلگمش را به گونه ای داستانی واحد و مرتبط با موضوعات اصلی پادشاهی، شهرت و ترس از مرگ بازنویسی می کند.

از این رو تصور می شود که حماسه بابل کهن شاهکار یک شاعر گمنام بوده است. اگرچه در حال حاضر تنها بخشی از این حماسه " برتر از هر پادشاه" حفظ شده است، اما بسیاری سادگی شعر و گویش آن و دیگر آثار بابل کهن را جذاب تر از نسخه اصلی پر لغت می دانند.

برخی از ابیات لوح های پنسیلوانیا و فراموش نشدنی هستند. برای توضیح این که منظور از نسخه معیار حماسه گیلگمش چیست، لازم است داستان ادبیات بین النهرین ادامه یابد.

نزدیک به قرن هجدهم قبل از میلاد، برنامه درسی مراکز تحصیلی کتابت و دستخوش تغییرات بنیادی شد. از قرن ششم پیش از میلاد به بعد، به تعداد بسیار زیادی لوح های مکتب ها دسترسی داریم، اما بهترین شاهد ماهیت و محتوای روایت های کتابت کهن کتابخانه های مربوط به هزاره اول است که در سرزمین بابل به ویژه در بابل، اوروک و آشور کاوش شده است. آسوریا نام یونانی سرزمین آشور است، کشوری کوچک در شمال بابل در میانه رود دجله که در هزاره اول قبل از میلاد خاستگاه بزرگترین امپراتوری بود که تا آن زمان خاور نزدیک به خود دیده بود.

در صدر این کتابخانه ها مجموعه لوح های گلی انباشته شده در نینوا توسط آخرین پادشاه بزرگ آشور، آشور بانپال جمع آوری شده است.



آسور، سرزمین آشور

کشوری کوچک در شمال بابل

لوح های گلی انباشته در نینوا

[خاستگاه بزرگ ترین امپراتوری]

یکی از اساتید دانشگاه کویین مری لندن بعد از ۳۰ سال تحقیق بر روی زنبورها گفت شواهدی وجود دارد زنبورها هم به نوعی احساس دارند. تحقیقات آزمایشگاهی نشان می‌دهد زنبورها هوش بسیار بالایی دارند و حتی می‌توانند چهره انسان را بشناسند.



باستان‌شناسان ۴۱۷ سکونتگاه را کشف کردند که توسط مایاها ساخته شده و با جاده‌هایی به طول حدود ۱۱۰ مایل به هم متصل شدند و به عنوان «نخستین سیستم آزادراه جهان» است.

سرخط خبرها

زنبورهای هوشمند

همه ما می‌دانیم زنبورها برای محصولات زراعی و تنوع زیستی مفید هستند، اما شواهد نشان می‌دهد که آن‌ها موجوداتی باهوش و منحصر به فرد نیز هستند. یکی از اساتید دانشگاه کویین مری لندن بعد از ۳۰ سال تحقیق بر روی زنبورها گفت شواهدی



وجود دارد زنبورها هم به نوعی احساس دارند. تحقیقات آزمایشگاهی نشان می‌دهد زنبورها هوش بسیار بالایی دارند و حتی می‌توانند چهره انسان را بشناسند، بشمارند و استفاده از ابزار ساده و مفاهیم انتزاعی را بیاموزند. او بر این باور است زنبورها احساس دارند و می‌توانند برنامه ریزی و تصویرسازی کنند. این نتایج از تجربیات آزمایشگاهی بر روی زنبورهای کارگر بدست آمده است. هر وقت یک زنبور کارگر ماده کار درستی انجام می‌دهد، پاداش می‌گیرد.

او در تحقیقات خود متوجه شد برخی از زنبورهای عسل کنجکاو ترند و اعتماد به نفس بیشتری نسبت به سایرین دارند. او می‌گوید زنبورها با نگاه کردن به زنبورهای دیگری که با موفقیت کاری را انجام می‌دهند، از آن‌ها یاد می‌گیرند.

روزنامه گاردین نوشت: زنبورها به راستی فوق العاده باهوش اند. دانشمندان با آزمودن ضریب هوشی زنبورها، شگفت زده شدند. آن‌ها دریافتند زنبورها، به لحاظ هوش، موجودات یگانه‌ای هستند. مصریان باستان آن‌ها را تقدیس می‌کردند.

شکسپیر، به ستایش آن‌ها نشسته و به تازگی «روان اتکینسون»، از هوش و دانش آن‌ها، شگفت زده شده می‌گوید، آن‌ها، صاحب احساس هم هستند. نظام حسگرها و شناخت آن‌ها، خیره کننده است. موجوداتی سخت احساسی. آن‌ها چهره آدم‌ها را می‌شناسند. آموزش یک زنبور، سبب شد آن آموزه را به تمام زنبورهای دیگر انتقال بدهد.

عمر طولانی

بخش دانش روزنامه گاردین، از طولانی شدن عمر با پرهیزها می‌گوید. اما پرسش این است، پرهیز تا چه حد؟ و طولانی تر شدن عمر، تا چند حد؟

دانشمندان می‌گویند، ترک دخانیات، روی آوردن به گیاهان و مصرف آن‌ها، پرهیز از فست فودها و انجام ورزش یعنی طولانی تر شدن عمر.

البته این فهرست، افزایش پیدا می‌کند:

دوری از آلودگی محیط زیست، ترک به کاربردن پلاستیک، پرهیز از شیرینی‌ها و غذاهای بارآوری شده، مصرف چربی و جز این‌ها. به راستی این ممکن است؟ دانشمندان می‌گویند، چرا که نه.

پتاسیم و نمک

بخش دانش روزنامه گاردین می‌نویسد: پژوهش تازه می‌گوید موز، آوآکادو و مواد غذایی غنی از پتاسیم اثرهای آسیب رسان نمک را خنثی می‌کند.



گنجاندن این مواد در رژیم غذایی به ویژه زنان، با غنای پتاسیم می‌تواند در رهایی آنان از بیماری‌ها کمک کند. رژیم غذایی حاوی پتاسیم به ویژه در زنانی که نمک بسیار مصرف می‌کنند، در کاهش فشارخون آن‌ها موثر است. این گزارش علمی مرکز پزشکی دانشگاه امستردام است پزشکان دانشگاه «یوآس سی» آمریکا در گزارش جدید خود گفته‌اند که پتاسیم موجود در «نمک طعام طبیعی» و مواد خوراکی، خطر ابتلاء به فشارخون را کاهش می‌دهد. همچنین پتاسیم موجود در نمک و مواد حاوی این یون به دفع سریع سدیم اضافی در بدن و کاهش سطح فشارخون کمک می‌کند.

فقط اشک آیدا



آیدا، از این خاموشی می‌گفت که انگار عزیزی را از دست داده است. هر آن چه حق هق گریه و حرف‌های بریده بریده بود، بر نوار ریل ربع اینچی «میکس» بر دستگاه پرفکتون به دفتر سردبیر در رادیو ایران میدان ارگ رساندم. خسته و درمانده گفتم فقط اشک و ناله برایتان آورده ام. با آن نوار چند دقیقه‌ای و تکیه کلام «گریه کن آیدا» مجموعه گزارش چند ده دقیقه‌ای ساخته شد که در آن هنگام، پر آوازه و بعد که ماندگار شد.

گوینده برنامه که آن هنگام فرهنگ فرهی بود می‌گفت گریه کن آیدا و صدای هق هق و حرف‌های بریده بریده آیدا، پخش می‌شد. این از ماندگارترین کارهای گزارشگری من شد. حرف‌های امروز آیدا با یاد آوردن این حادثه و گفت و گو در کتاب «بام بلند همچراغی» با سعید پورعظیمی درباره احمد شاملو و اشاره به آن ضبط رادیویی، مرا به آن سال‌ها، پرتاب کرد. سال‌های دهه چهل و تهیه گزارش‌های فرهنگی از حادثه‌هایی چون خاموشی چشمه شعر شاملو برای آن برنامه فرهنگی رادیویی. «آیدا» در بخشی از گفت و گو با سعید پورعظیمی از این حادثه می‌گوید که با وجود گذشت دهه‌هایی چند، هنوز آن را به یاد دارد. یادی همچون دیگر حادثه‌های پر اهمیت زندگی با احمد شاملو. شاملو در آن سال‌ها، هفته‌نامه «خوشه» را در می‌آورد و جز هفته‌نامه او، دیگر هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌های فرهنگی، سخت از این خشکیدن چشمه شعر او می‌گفتند. این اتفاق، یک-دو بار دیگر، برای او افتاد. اما در سال چهل و شش، این حادثه، پر صدا شد. بسیاری دلنگران شاعر و البته منتقدانی چند هم مدعی بودند، که این «شوی» است و نمایشی از سوی شاعر، برای ماندگار ساختن خود بر صحنه! این دشمنان شاملو، که در آن هنگام، شمشیر از رو بسته بودند، و به تازیانه کشاندن او و آیدا، که گریه کن آیدا...

ناپدید شدن مایاها

بی‌خبر بودیم فاش شده است. کشف شهر باستانی که پیدا کردن آن «غیرممکن» بود.

ریچارد هانسن، استاد باستان‌شناسی دانشگاه ایالتی آیداهو می‌گوید این یافته‌ها تحول‌آفرین هستند و انریکه هراندز باستان‌شناس از دانشگاه سن کارلوس می‌گوید این کشف می‌تواند به اندازه اهرام مصر برای درک ما از تاریخ مهم باشد.

هراندز در ۲۰ سال گذشته، هر سال ماه‌ها وقت خود را صرف حفاری در ال میرادور کرده است و این شهر باستانی جدید پس از پیشرفت‌های فناوری کشف شد که به محققان اجازه داد با دقت بیشتری در جنگل جستجو کنند. فناوری (یکی از فناوری‌های سنسجش از راه دور) چیزی است که به محققان اجازه می‌دهد مقیاس کامل شهر باستانی را ببینند و متوجه شوند به سکونتگاه‌های به هم پیوسته و فوق‌العاده پیچیده نگاه می‌کنند که یک سیستم جاده‌ای چشمگیر همه آن را در کنار هم نگه داشته است.

اکنون دانشمندان تصور بسیار واضح‌تری از آنچه در این مکان وجود دارد دارند و می‌توانند سفرهای دقیق‌تری به این شهر باستانی داشته باشند و چیزهای بیشتری بیاموزند، اگرچه با داشتن ۴۱۷ مکان برای بازدید، کار زیادی برای انجام دادن دارند.

سال‌چهل و شش بود. این را مرور صفحات کتاب «آیدا» به نام بام بلند همچراغی، به یاد انداخت. با آن که حادثه مهمی در زندگی حرفه‌ای رسانه‌ای ام بود، تاریخ آن را از یاد برده بودم. دانشجوی سال دوم ادبیات و زبان انگلیسی بودم. خسته از سادگی آن چه می‌آموختم. چرا که زبان انگلیسی را از چهار-پنج سالگی آموخته بودم. سال اول دانشکده، چیزی به دانسته‌هایم نیفزود. تا سال دوم که بررسی آثار ارنست همینگوی به کتاب‌های درسی مان راه یافتند. آثار ارنست همینگوی، بیدار باشی برای من مدعی زبان و ادبیات بود. و با آن البته زبان دوم، یعنی زبان فرانسه نیز. برخواستگی درس ام، کار هم، مزید بر علت شد: کار در دوبله فیلم، در موسسه فیلم شهاب. روزنامه‌نگاری حرفه‌ای آن هم در سال‌های آغازین بیست زندگی ام.

و آن هنگام تازه به رادیو ایران، راه یافته بودم. البته پس از سال‌ها کار در رادیو نفت آبادان و رادیو رضائیه. دستگاه ضبط سنگین گزارشگری «پرفکتون» به دست شده بودم. گزارشگر فرهنگی یک برنامه رادیویی آن چه شد باز سکوی پرتاب من در رادیو و تلویزیون. روزی سردبیر برنامه هفتگی عصر ششمین روز هفته، پرویز نقیبی روزنامه‌نگاری که به رادیو پیوسته بود، تهیه یک گزارش را پیشنهاد کرد: گفت و گو با آیدا... به سبب خاموشی چشمه شعر احمد شاملو یک سالی می‌شد شعر نگفته بود. که بروم با آیدا گپ بزنم که چه بر سر شاملو آمده است؟ آن‌ها در آپارتمانی، در خیابان کاخ آن هنگام زندگی می‌کردند. هنگامی که «پرفکتون» را برای ضبط گفت و گو راه انداختم. آیدا، جز چند کلمه ای با بغض و هق هق گریه، چیزی نگفت.

من هم بغض کرده با او- البته به سبب آن که چیزی برای ضبط نداشتم- شاهد گریه‌های آیدا بودم که «احمد شاملو» یک سالی است، شعر نمی‌گوید. چند خط می‌نویسد و کاغذ را پاره، دور می‌اندازد. چنان

نمی‌دانیم چرا مایاها ناپدید شدند، اما زمانی بین سال‌های ۸۵۰ تا ۱۰۰۰، تمدن آن‌ها رو به افول گذاشت و سقوط کرد. آن‌ها به طور کامل از بین رفتند و نوادگان آن‌ها هنوز هم زنده هستند و زندگی می‌کنند، اما فروپاشی آن‌ها همچنان یکی از بزرگترین اسرار تاریخ است. اما به تازگی، به لطف کشف یکی از شهرهای باستانی آن‌ها، اطلاعات بیشتری در موردشان بدست آورده‌ایم.

در اعماق جنگل ال میرادور گواتمالا، یکی از شهرهای باستانی مایاها قرار دارد که تاکنون کشف آن تقریباً «غیرممکن» بود. این شهر باستانی، مجموعه‌ای از حدود ۴۰۰ سکونتگاه به هم پیوسته است که برخی از آن‌ها ۳۰۰۰ سال پیش ساخته شدند و میان آن‌ها جاده‌هایی وجود دارد که همه‌ی آن‌ها را به هم متصل می‌کنند.

باستان‌شناسان ۴۱۷ سکونتگاه را کشف کردند که توسط مایاها ساخته شده و با جاده‌هایی به طول حدود ۱۱۰ مایل به هم متصل شدند و به عنوان «نخستین سیستم آزادراه جهان» از آن‌ها یاد می‌شود. نویسندگان این اکتشاف شگفت‌انگیز به واشنگتن پست گفتند این شهر باستانی بهم‌پیوسته حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است و با کشف آن، حجم کاملی از تاریخ بشر که قبلاً از آن

مردم سومر و آکد خودشان سرزمین شان را بابل‌ی که یک اصطلاح یونانی است، نمی نامیدند، اما از این زمان به بعد مرسوم است که آن‌ها را بابل‌ی می نامند. کاتبی که سومری نداند کاتب نیست، چرا که زبان آموزش یا حداقل بخشی از آن، سومری بود. شاگردی که همه قوانین مکتب را زیر پا گذاشته بود، چنین شکایتی داشت

ظهور حمورابی در بابل

تسخیر سرزمین سومر و آکد

از این کتاب به عنوان نسخه معیار در نظر گرفته شده است. در این کتاب آن را نسخه معیار خواهیم خواند. فصل‌های ۲ تا ۴ متن کامل متن قدیمی تر به زبان اکدی را ارائه می کند، از جمله نسخه های پراکنده تری از این حماسه همچون نسخه ای است که در باستان نسخه برتر از هر پادشاه دیگر شناخته می شد، و برگرفته هایی از متون که روی لوحه های مشقی مدرسه ظاهر می شد. فصل دوم به ارائه متونی از نیمه اول هزاره دوم (دوره بابل کهن) می پردازد. فصل سوم به متونی از بابل که به نیمه دوم هزاره دوم (دوره بابل میانی) بازمی گردند و فصل ۴ به متون همان دوره در غرب باستان - شرق مدیترانه و آناتولی می پردازد.

فصل ۵ شامل پنج روایت در قالب شعر به زبان سومری است، که شهرت شان را مدیون نسخه هایی هستند که شاگرد کاتبان بابل‌ی در قرن هیجدهم از اشعاری کهن تر، برداشتند. برای درک این که متون و قطعات مختلف گیلگمش چگونه بهم مربوط می شوند شاید بهتر باشد آنها در قالب تاریخ طولانی ادبیات کهن بین النهرین بررسی شوند. در این فضای روشنفکرانه دربار پادشاهان اور سلسله بعدی ایسین شاهد تالیف بیشتر ادبیات به زبان سومری بود. پس از به قدرت رسیدن شهر بابل در قرن هجدهم پیش از میلاد تحت فرمانروایی معروف آن، حمورابی (۱۷۹۲-۱۷۵۰ قبل از میلاد) سرزمین سومر و آکد توسط بابل اداره می شد. گرچه مردم سومر و آکد خودشان سرزمین شان را بابل‌ی که یک اصطلاح یونانی است، نمی نامیدند، اما از این زمان به بعد مرسوم است که آن‌ها را بابل‌ی می نامند. کاتبی که سومری نداند کاتب نیست، چرا که زبان آموزش یا حداقل بخشی از آن، سومری بود. شاگردی که همه قوانین مکتب را زیر پا گذاشته بود، چنین شکایتی داشت.

دربان گفت، چرا بدون اجازه من در را باز کردی؟ و مرا زد

مستول آب گفت، چرا بدون اجازه من آب خوردی؟ و مرا زد

مستول زبان سومری گفت، به آکدی سخن گفتی و مرا زد

آموزگار گفت، دست خطت زشت است و مرا زد
برای آن که ثابت کند می تواند بنویسد، شاگرد کاتب یا با املا یا از حافظه متون سومری را کپی برداری می کرد پیچیده ترین متونی که باید به نحو احسن آموخت مجموعه ای از متون ادبی سنتی مشخص بود تقریباً تمام متونی که از بابل‌ی بر جا مانده اند، از لوح های دست نوشته این شاگردان کاتب جوان است

متون به زبان اکدی تا حدودی از ۲۳۰۰ قبل از میلاد پدیدار شد زمانی که این زبان به ابزاری اداری در خدمت اولین امپراتوری بزرگ

مدیترانه در آمد این امپراتوری در اوج خود از خلیج فارس تا شام امتداد داشت. این شهر توسط

سارگون و جانشینان یعنی پادشاهان آکد ساخته شد،

شهری شمالی که
"مادرم، کاهنه، باردار شد مرا و پنهان به دنیا آوردم

مرا در سبیدی از نی گذاشت، سر پوشی را با قیر اندود بر روی رودی افکند که از آن نتوانم برخاست رود مرا برد و به آکی ساقی رساند

بر اساس روایت، سارگون با کمک الهه ایشتر به قدرت رسید.

به مدت صد سال سلسله او بر دولت شهرهای جنوب

بین النهرین و بیشتر شمال بین النهرین تسلط داشت. متون اولیه

به زبان اکدی مربوط به دوره شامل

این



بر اساس روایت، سارگون با کمک الهه ایشتر به قدرت رسید. به مدت صد سال سلسله او بر دولت شهرهای جنوب بین النهرین و بیشتر شمال بین النهرین تسلط داشت.

موزه دانشگاه فیلادلفیا بود.

همکاری با شیطنت زندگی وی را در یک جمله خلاصه کرد "کار بدون تفریح - خرکاری بدون تفریح" ولی این که یک نفر نخستین کسی باشد که لوحی هزار ساله را می خواند، خسته کننده و ملال آور است و کریمر در این باره بسیار هیجان زده بود. این یک ادبیات جدید بود. مهم ترین اثر ادبی موجود در تاریخ بشری و وجود آن جز برای تعداد انگشت شماری از محققان حرفه ای یک امر تعجب آور بود. بسیاری از این متون سومری بسیار دشوارند و به خوبی فهمیده نمی شوند، و این همچنان یکی از کاستی های محققان معاصر است که گنجینه های این متون فراگیرتر نشده اند.

از جمله متون ادبی سومری که به درجه ای از شهرت رسیده اند، می توان به پنج شعر گیلگمش یا آن گونه که در متون قدیمی تر ترجمه شده در فصل ۵ اشاره کرد. این ها با حماسه گیلگمش بابل‌ی که به زبان آمدی نوشته شده یکی نیستند، بلکه داستان های جداگانه و متفاوت، بدون مضامین مشترک هستند، آن ها احتمالاً ابتدا متعهد به نوشتن در دوران سومین سلسله "اور" بودند که پادشاهان آن با به عنوان یک قهرمان افسانه ای که آنها را سلف و جد خود می دانستند، پیوند خاصی داشتند.

در این دوره، آثار ادبی دیگری به زبان اکدی ظاهر می شوند، مانند علوم که به تشریح علوم بابل‌ی با مطالعه، طالع بینی و ریاضیات، و افسون هایی به زبان سومری و اکدی به منظور دور کردن شر از طریق جادوگری سر می گرفته است. بنابراین، دوره بابل‌ی کهن دوران خلافت ادبی بزرگ در زبان اکدی بود، اما برنامه تحصیلی مراکز آموزشی، دست کم آن هایی که ما بهتر می دانیم، فاقد انعطاف پذیری لازم بودند که این تحولات را منعکس کنند. لوح های گیلگمش بابل کهن، بیانگر آنند که در این دوره حماسه ای یکپارچه و کامل از گیلگمش وجود داشته، که به روایت لوح پنسیلوانیا، برتر از هر پادشاه نام داشت.

آثار ادبی بین النهرین به ندرت به خودی خود به وجود می آمدند و منشا این حماسه هم به احتمال به روایت

شفاهی باز می گردد. بی تردید لوح های حماسه گیلگمش بابل کهن تفاوت

بسیاری با اشعار سومری برنامه درسی کاتبان دارند و اگر چه که این دو روایت

چندین قسمت و مضامین مشترک دارند. متون بابل‌ی کهن نمایانگر بازنگری کلی هستند که مطالب گیلگمش را به گونه

ای داستانی واحد و مرتبط با موضوعات اصلی پادشاهی، شهرت و ترس از مرگ

بازنویسی می کنند. این رو تصور می شود که حماسه بابل کهن شاهکار

یک شاعر گمنام بوده است. اگر چه در حال حاضر تنها بخشی از این حماسه

"برتر از هر پادشاه" حفظ شده است، اما بسیاری سادگی شعر و گویش آن و

دیگر آثار بابل کهن را جذاب تر از نسخه اصلی پر لغت می دانند. برخی از ابیات لوح های پنسیلوانیا فراموش نشدنی

هستند. برای توضیح این که منظور از نسخه معیار حماسه گیلگمش چیست، لازم است داستان ادبیات بین النهرین

ادامه یابد.

نزدیک به قرن هجدهم قبل از میلاد، برنامه درسی مراکز تحصیلی کتابت

و دستخوش تغییرات بنیادی شد. از قرن ششم پیش از میلاد به بعد، به

تعداد بسیار زیادی لوح های مکتب ها دسترسی داریم، اما بهترین شاهد

ماهیت و محتوای روایت های کتابت کهن کتابخانه های مربوط به هزاره اول است که در سرزمین بابل به ویژه

در بابل، اوروک و آشور کاوش شده است. آشور یا نام یونانی سرزمین آشور است، کشوری کوچک در شمال بابل در میانه

رود دجله که در هزاره اول قبل از میلاد خاستگاه بزرگترین امپراتوری بود که تا آن زمان خاور نزدیک به خود دیده بود.

در صدر این کتابخانه ها مجموعه لوح های گلی انباشته شده در نینوا توسط آخرین پادشاه بزرگ آشور، آشور بانیبال جمع آوری شده است. (۸۶۶-۷۲۶ پیش از میلاد)

ادامه در شماره آینده

لوح های گیلگمش بابل کهن، بیانگر آنند که در این دوره حماسه گیلگمش بابل کهن، بیانگر آنند که در این دوره حماسه ای یکپارچه و کامل از گیلگمش وجود داشته است.

